

فصل هشتم: عزاداری

<?xml encoding="UTF-8?">

یکی از جلوه های بزرگ واقعه عاشورا، پاس داشت آن از سوی پیام رسان و قهرمان سترگ واقعه عاشورا؛ یعنی حضرت زینب علیهاالسلام است. امروز بزرگداشت و برپایی مراسم عزاداری سرور و سالار شهیدان کربلا و یاران باوفایش یکی از بزرگ ترین و رایج ترین مراسم دینی و مذهبی شیعیان به شمار می آید. در ابتدا نگاهی کوتاه داریم به کلام معصومین علیهم السلام درباره عزاداری امام حسین علیه السلام و یارانش.

گزیده ای از احادیث معصومین درباره عزاداری

1. اثر اشک برای حسین علیه السلام

امام رضا علیه السلام فرمود: «گریه کنندگان باید بر کسی همچون حسین علیه السلام گریه کنند؛ زیرا گریستن برای او، گناهان بزرگ را فرو می ریزد».

2. خندان در قیامت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «فاطمه جان! روز قیامت، هر چشمی گریان است، مگر چشمی که در مصیبت و عزای حسین علیه السلام گریسته باشد که آن چشم، در قیامت خندان است و به نعمت های بهشتی مژده داده می شود».

3. پاداش

حسین بن علی علیه السلام فرمود: «چشمان هر کس که در مصیبت های ما قطره ای اشک بریزد، خداوند او را در بهشت جای می دهد».

4. چشمان اشک بار

امام سجاد علیه السلام فرمود: «من هرگز شهادت فرزندان فاطمه علیهاالسلام را به یاد نیاوردم مگر آنکه به خاطر آن، چشمانم اشک بار گشت».

5. بیست سال اشک

امام صادق علیه السلام فرمود: «امام زین العابدین علیه السلام بیست سال (به یاد عاشورا) گریست و هرگز پیش روی او طعامی نمی گذاشتند، مگر اینکه گریه می کرد».

6. اندوه و سرور

امام رضا علیه السلام فرمود: «هر کس که عاشورا، روز مصیبت و اندوه و گریه اش باشد، خداوند، روز قیامت را

برای او روز شادی و سرور قرار می دهد».

7. نالیدن

امام صادق علیه السلام فرمود: «هر نالیدن و گریه ای مکروه است، مگر ناله و گریه بر حسین علیه السلام».

8. مزد اشک

امام صادق علیه السلام فرمود: «هر چیزی پاداش و مزدی دارد، مگر اشکی که برای ما ریخته شود (که چیزی با آن برابری نمی کند و مزد بی اندازه دارد)».

9. عزاداران آسمانی

امام صادق علیه السلام فرمود: «چهار هزار فرشته نزد قبر سیدالشهداء علیه السلام ، ژولیده و غبارآلود، تا روز قیامت بر آن حضرت می گریند».

10. برخورداری از کوثر

امام صادق علیه السلام فرمود: «هیچ چشمی نیست که برای ما بگرید، مگر اینکه از نعمت نگاه به «کوثر» برخوردار می شود و از آن سیرابش می کنند».

11. چهل روز اشک

امام صادق علیه السلام فرمود: «ای زراره! آسمان چهل روز در سوگ حسین بن علی علیه السلام گریه کرد».

12. شعر برای حسین علیه السلام

امام صادق علیه السلام (به جعفر بن عفان) فرمود: «هیچ کس نیست که درباره حسین علیه السلام شعری بسراید و بگرید و با آن بگریاند مگر آنکه خداوند، بهشت را بر او واجب می کند و او را می آمرزد».

13. مرثیه سرایان

امام صادق علیه السلام فرمود: «خدا را سپاس که در میان مردم، کسانی را قرار داد که به سوی ما می آیند و بر ما وارد می شوند و ما را مدح و مرثیه می گویند».

سیره ائمه اطهار علیهم السلام درباره عزاداری برای امام حسین علیه السلام

ائمه اطهار علیهم السلام ، شاعرانی را که در مرثیه امام حسین علیه السلام شعر می سرودند، تشویق می کردند و سرودن شعر در مصیبت امام حسین علیه السلام را ثواب می شمردند. ایشان به کسانی که مرثیه می گفتند و شعر می سرودند، صله های فراوان می دادند و از آنان تمجید می کردند و به ایشان احترام می گذاشتند. امام صادق علیه السلام نیز به ابوهارون مکفوف که در حضور آن حضرت، اشعاری در مرثیه امام حسین علیه السلام سروده بود، فرمود:

ای اباهارون! هر کس در مرثیه حسین علیه السلام شعری بخواند و خود بگیرد و ده تن را بگیراند، بهشت برای او نوشته می شود و هر کس در مرثیه حسین علیه السلام شعری بخواند و خود بگیرد و یک نفر را بگیراند؛ بهشت برای آن دو نفر نوشته می شود و هر کس نزد او از حسین یادی شود و از چشمانش به اندازه بال مگس اشک بیرون آید، پاداش او بر خداوند عزوجل است و خداوند برای او جز به بهشت راضی نمی شود.

امام کاظم و امام رضا علیهماالسلام

ابوعلی دعل خزاعی، شاعر توانا و علاقه مند به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام در دوران امامت امام رضا علیه السلام می زیست. وی در سال 198 هجری قمری، در مرو به دیدار حضرت رسید و با استقبال ایشان روبه رو شد. او می گوید: «در شهر مرو، مولایم علی بن موسی علیه السلام را دیدم که با حالتی محزون میان یاران خود نشسته بود. با دیدن من خوشحال شد و فرمود: «خوشا به سعادتت ای دعل که ما را با دست و زبانت یاری می کنی!» سپس مرا احترام کرد، نزد خود نشانید و فرمود: «دوست دارم برای من، شعری بخوانی. این روزها، روز حزن و اندوه ماست و روز شادی دشمنانمان.» من نیز شعری را که تازه سروده بودم، خواندم و حضرت و خانواده و یاران ایشان به شدت گریستند».

سیر تاریخی عزاداری برای امام حسین علیه السلام

عزاداری سالار شهیدان در طول تاریخ، صورت های مختلفی داشته و دست خوش تغییرهای زیادی شده است. در این بخش، نگاهی کوتاه داریم به سیر تاریخی عزاداری بر امام حسین علیه السلام و یارانش.

سابقه عزاداری برای شهیدان

عزاداری برای شهیدان در اسلام سابقه دیرینه دارد. پیامبراعظم صلی الله علیه و آله در شهادت حمزه بسیار گریست و از گروهی که برای حمزه سیدالشهداء لباس عزا پوشیده و عزاداری کرده بودند، سپاس گزاری کرد.

اولین عزاداری برای سید الشهداء حسین بن علی علیه السلام

نخستین کسانی که مراسم سوگواری و عزاداری را برای حضرت حسین علیه السلام برپا کردند، بانوان خاندان عترت بودند که پس از واقعه کربلا به اسارت درآمدند. آنان از همان صحرای کربلا، نوحه سرایی خود را آغاز کردند.

عزاداری در کوفه، شام و مدینه

پس از واقعه عاشورا، کاروان اسیران در کوفه و شام به عزاداری پرداختند و مردم را به گریه درآوردند. مردم شام نیز پس از خطبه آتشین امام سجاد علیه السلام تحت تاثیر قرار گرفتند و به عزاداری پرداختند. در مدینه نیز برای نخستین بار، ام سلمه، همسر گرامی پیامبراعظم صلی الله علیه و آله، مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام را برپا کرد.

عزاداری از عصر امام محمد باقر علیه السلام تا آغاز غیبت

- در این دوره، عزاداری با حفظ قالب شعری، از نظر شکلی به تدریج توسعه یافت و اندک اندک جنبه مراسم و حالت تجمع و یادبود پیدا کرد.

- در عصر امام صادق علیه السلام، عزاداری امام حسین علیه السلام، بیش از هر زمانی رونق گرفت.
- از نظر مکانی، در عصر امام صادق علیه السلام، تنها در روز نیمه شعبان، عزاداری در کنار مرقد آن حضرت در کربلا به صورت علنی برگزار می شد. بر اساس راهنمایی ائمه اطهار علیهم السلام برای حفظ جان شیعیان، این مراسم در خانه ها انجام می شد.

- در عصر ائمه اطهار علیهم السلام عزاداری امام حسین علیه السلام از نظر شکلی، به مرثیه سرایی، گریستن و گریانیدن محدود بود. مرثیه بیشتر در قالب شعر بود و شاعران شیعه آن را خواندند. البته برخی نیز که خود شاعر نبودند، اشعار شاعران بزرگ را در مرثیه امام حسین علیه السلام می خواندند.
- در کنار شاعران، می توان از قصه گوینان نیز نام برد که در کنار شعرسرایی، به بیان واقعه کربلا می پرداختند.

عزاداری در دوره غیبت در عصر آل بویه

- عزاداری امام حسین علیه السلام برای نخستین بار، در قرن چهارم هجری، در قلمرو حکومت آل بویه و با حمایت آنان به صورت علنی و عمومی در کوچه و بازار برگزار شد.
- در عصر آل بویه، هرگاه عاشورا با عیدنوروز یا مهرگان هم زمان می شد، انجام مراسم عید را به تأخیر می انداختند.

- دسته های سینه زنی، شکل جدید عزاداری بود که در عصر آل بویه به مراسم سوگواری امام حسین علیه السلام افزوده شد.

عزاداری امام حسین علیه السلام در عصر صفوی

- در عصر صفوی، مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام، وارد مرحله جدیدی شد. شاهان صفوی، شاعران را تشویق می کردند به جای مدح و تعریف آنان، درباره مناقب ائمه علیهم السلام و مظلومیت امام حسین علیه السلام شعر بسرایند. اشعار جاودانه محتشم کاشانی، یادگاری از آن دوره است.
- واژه روضه و روضه خوانی در اوایل عصر صفوی پدید آمد.

عزاداری پس از عصر صفوی

پس از دوران صفویه، عزاداری امام حسین علیه السلام دو بار از سوی پادشاهان مورد تهدید قرار گرفت. بار نخست، نادرشاه کوشید از برگزاری آن جلوگیری کند که موفق نشد. بار دوم، رضاخان پهلوی پس از رسیدن به سلطنت، عزاداری را ممنوع کرد، ولی این ممانعت زیاد دوام نیاورد.

عزاداری در دوره قاجاریه

در عصر قاجار، عزاداری برای امام حسین علیه السلام، کاملاً نهادینه شد و به صورت امر کاملاً عمومی و مردمی درآمد. در دوران قاجار، مردم در تهران و شهرهای بزرگ، در تمام ماه های محرم و صفر در بیشتر محله ها با برپاکردن چادر و گستردن فرش و نصب علم و گُتل، به عزاداری می پرداختند.

سیره و سلوک علما در زیارت و عزاداری

مرحوم آقا محمد باقر، معروف به وحید

معروف است که ایشان زمانی که برای زیارت حرم سید الشهداء علیه السلام مشرف می شد، اول آستان کفش گن آن جناب را می بوسید و روی مبارک و محاسن شریف خود را بدان می مالید. پس از آن با خضوع و خشوع و رقت قلب به اندرون حرم مشرف می شد و زیارت می کرد و در مصیبت امام حسین علیه السلام کمال احترام را مراعات می کرد.

مرحوم آخوند ملا آقای دربندی

در حالات این عالم جلیل القدر که از شاگردان شریف استاد شیخ انصاری است، نوشته اند: «در اقامه مصیبت حضرت سید الشهداء علیه السلام اهتمامی فراوان داشت و بر آن مواظبت می کرد. در این امر به گونه ای بود که در بالای منبر، از شدت گریه غش می کرد. در روز عاشورا لباس های خود را از بدن در می آورد و پارچه ای بر خود می بست و خاک به سر می ریخت و گِل به بدن می مالید و با همان شکل و صورت، بر منبر می رفت و روضه خوانی می کرد».

مرحوم شیخ مرتضی انصاری

در شرح احوال شیخ مرتضی انصاری آورده اند: «از جمله عادتش خواندن زیارت عاشورا بود. هر روز دو بار صبح و عصر آن را می خواند و بر آن بسیار مواظبت می کرد. بعد از وفاتش، کسی او را در خواب دید و از احوالش جویا شد. در جواب سه مرتبه فرمود: عاشورا».

آیت الله مرعشی نجفی

آیت الله مرعشی نجفی، از نظر عاطفی، محبت فوق العاده ای به اهل بیت علیهم السلام داشت و این علاقه در مجالس عزای این خاندان به خوبی آشکار بود. عشق سرشار وی به سید الشهداء علیه السلام و شهیدان واقعه کربلا چنان شوری در او ایجاد می کرد که در مجلس آن حضرت سر از پا نمی شناخت و در عزای آن سید مظلومان با صدای بلند می گریست. در ماه محرم و صفر و دیگر ایام سوگواری، کاملاً سیاه می پوشید. همه ساله، دهه عاشورا و دیگر ایام عزای و اعیاد اسلامی و شیعی، در خانه خویش یا در مدرسه و حسینیه خود، مجالس سوگواری یا جشن برقرار می کرد و خود، به خدمت کردن به عزاداران می پرداخت.

آیت الله شیخ عبد الکریم حائری

ایشان دستور می داد پیش از تدریس، کسی قدری مصیبت حضرت سید الشهداء علیه السلام را بخواند. سپس درس را شروع می کرد.

نگاه جهان گردان به عزاداری در ایران

در اواخر حکومت زندیه و اوایل قاجاریه بود که تعزیه خوانی با مضمون و اصطلاح امروزی پدیدار شد و روبه

گسترش نهاد. در دوران ناصر الدین شاه، بیش از دویست تکیه، حسینی و میدان بزرگ برای تعزیه وجود داشت و به دستور ناصر الدین شاه، تکیه دولت در زاویه جنوب غربی کاخ گلستان به گنجایش دویست هزار نفر و صرف مبلغ یک صد و پنجاه هزار تومان ساخته شد و به نمایش های مذهبی اختصاص یافت. در این دوره، تعزیه هم از نظر مضمون و نوع پرداخت و هم از نظر شیوه اجرا، راهی به سوی کمال پیمود، ولی با مرگ ناصر الدین شاه، تعزیه از نظر اجرا افول کرد.

سفرنامه نویسان و جهان گردانی که در ایران حضور داشته و این مراسم را از نزدیک دیده اند، به فراخور برداشت و تلقی خود به توصیف آن پرداخته اند. کمتر سفرنامه ای از دوره صفویه به بعد درباره ایران نوشته شده است که نامی از مراسم عزاداری مردم در ماه محرم نبرده باشد. شاردن، میدان تعزیه خوانی تبریز را بزرگترین میدان بلاد عالم می داند.

همچنین در میان جهان گردان خارجی، کمتر کسی همانند گوبینو، تعزیه را تعریف کرده است. او در کتاب دین ها و فلسفه ها در آسیای مرکزی حدود یک صد صفحه را به این امر اختصاص می دهد و صحنه های پر شکوه تعزیه هایی را که دیده است؛ با شیرینی خاصی وصف می کند. در کتاب دیگر خود به نام سه سال در آسیا نیز سه صفحه را به این موضوع اختصاص داده است.

با بررسی سفرنامه های عصر صفوی مشخص می شود که در این دوران، تعزیه، مراحل مقدماتی خود را گذرانده و هنوز شبیه خوانی به مثابه هنری مستقل، مطرح نبوده است.

کورنی بل لایرون، جهان گرد هلندی که در سال 1704م. به ایران آمده و نظاره گر مراسم عزاداری در عهد صفویه بوده است، از عزادارانی سخن می گوید که با حرکات نمایشی صامت، صحنه های حزن انگیز کربلا را به تصویر کشیده اند. این صحنه ها به دو شکل سیار و ثابت اجرا می شد و برخی از این افراد برای آنکه ضربه ها و جراحت های وارد شده بر بدن را نشان دهند، بدن خود را به رنگ های سرخ و سیاه آغشته می کرده اند.

سالامون انگلیسی و وان گوگ هلندی که در سال های 1743 و 1736م. (آخرین سال های حکومت صفویان) در ایران به سر می بردند، از اجرای نوعی تعزیه خوانی که روی ارابه ها صورت می گرفت، خبر می دهند که اگر این ادعا درست باشد، در می یابیم تعزیه خوانی در آخرین سال های دوره صفویه وجود داشته است.

ویلیام فرانکلین که در دوران صفویه به ایران سفر کرده است، در سفرنامه خود به اجرای نوعی از مراسم تعزیه خوانی در این عهد اشاره می کند و به قولی، این اولین سندی است که از تعزیه سخن می گوید.

یکی دیگر از جهان گردان خارجی به نام ویلیام. ا. بیمن در مورد نوحه خوانی، تعزیه و سینه زنی می نویسد: شاید بارزترین نمونه برای شناخت نمایش بی مانند تعزیه، علامت نمادین سینه زنی باشد. در اکثر تعزیه هایی که من شاهد آنها بوده ام، تعزیه گردان با زدن برسینه خود، به شبیه خوانان علامت سینه زنی می دهد. پس از آنکه سینه زنی از حالت دستور صحنه ای به علامت نمایش تبدیل می شود، رفته رفته سراسر حسینه را دربرمی گیرد تا اینکه به صورت عملی نمادین، همه تماشاگران را یک پارچه و آنها را به شرکت کنندگان در تعزیه تبدیل می سازد. نوای سینه زنی گسترده حسینی بر صحنه حاکم می شود.

سون آندرسون فون هیدن که از سال 1886م. برای مطالعه نقاط کویری ایران به کشورمان آمده بود درباره مراسم عزاداری در طبس چنین نوشته است:

من دو روز جلوتر از بزرگ ترین روز مذهبی شیعه ها، در ماه محرم که اولین ماه اسلامی است، وارد طبس شدم. دهه اول این ماه که در ماه مارس 1906م. اتفاق افتاده، به امام حسین علیه السلام - شهید کربلا - اختصاص

دارد. سالگرد این حادثه، عاشورا نامیده می شود و هیچ روزی از سال، احساسات مذهبی شیعه را به اندازه این روز تحریک نمی کند. یاد حسین، در تمام شهرهای ایران با نوحه و ناله و اشک های گرم زنده می شود. دلاوری های حسین مورد تمجید قرار می گیرد و از دشمنش، یزید با سخنان بدی یاد می شود. تمام جریان این قسمت از تاریخ مذهبی شیعیان با شبیه خوانی هایی که نسبتاً خوب اجرا می شود، روی صحنه می آید....

ادوارد براون نیز می نویسد:

چند نفر از اروپاییان که از نظر روان شناسی، تعزیه ها را مورد مطالعه قرار داده اند، معتقدند اینها در کمال مهارت تدوین شده و تعزیه خوان ها از روی اخلاص و اطلاع از فن خود، نمایش می دهند.

سرلویس پلی در یکی از کتاب هایش، 37 مجلس تعزیه را ترجمه کرده است و در مقدمه آن می نویسد:

اگر مقیاس هنرمندی نویسنده تاتر را در تأثیری بدانید که در خوانندگان و شنوندگان ایجاد می کنند، هیچ تراژدی از اینها بالاتر نیست... . گی بن که نویسنده ای دقیق است، می گوید: «برخی از این نمایش ها در دل سخت ترین مردم هم تأثیر دارد».

گوبینو تعزیه را از تراژدی های یونانی نیز عالی تر معرفی کرده است و می نویسد:

تعزیه برای ایرانیان در حکم یک تأثر و تماشای معمولی نیست، بلکه در نظر آنها از هر تظاهر دیگری، مقدس تر و مهم تر است و با اجر جمیل و ثواب و پاداش بسیار توأم است. ایرانیان در مقابل تعزیه نمی توانند سرد و بی اعتنا بمانند.

از نیمه سده نوزدهم، کوشش های برای مطالعه پدیده تعزیه، (تنها نمایش بومی جهان اسلام) انجام شد، ولی باوجود علاقه کسانی چون دوگوبینو یا مسیو آرلند، تعزیه در مجموع برای کارشناسان نمایش و تأثر تقریباً ناشناخته مانده است.

نگاه دروویل نیز به تعزیه و مراسم عزاداری چنین است:

فاجعه قتل امام حسین علیه السلام ، سوژه مراسم عزاداری خاصی است و اشک از دیدگان پیروان علی روان می سازد. در دهه محرم، صبح ها، صحنه های مختلف این فاجعه و روز دهم، شهادت جان گذار حسین نمایش داده می شود. در ایام محرم در ایران جز شیون و زاری و فریاد و تکرار نام حسین چیزی به گوش نمی رسد.»

من از دیدن این صحنه های جان دار که چیزی از واقعیت کم نداشت، به حیرت افتادم. حیرت من وقتی فزون تر شد که دیدم پس از پایان نمایش از چهار هزار تن سوار که بدون رعایت نظم و احتیاط، به جان هم افتاده بودند، حتی یک تن نیز زخمی نشده است. مراسم تعزیه در میان قبایل و طوایف مختلف با تغییرهای کم و بیش زیادی انجام می گیرد، ولی در هر حال، اساس آن یکی است.

آشنایی با چند واژه مرسوم در عزاداری

1. تکیه

تکیه در لغت به معنی پشت به چیزی گذاشتن است و در مجاز به پشت و پناه گفته می شود و در اصطلاح به حسینیه که در آن روضه می خوانند یا به محلی که در آن تعزیه خوانی و روضه خوانی می کنند، گفته می شود و جمع آن تکایا است.

هرچند تاریخ دقیق شکل گیری تکیه معلوم نیست، ولی درباره کیفیت شکل گیری آن گفته اند: «تکیه ابتدا محل اجتماع دراویش و فقرا بود که رایگان در آنجا اقامت داشته اند و محافظان و نگهبانان آن از جوان مردان بودند.

رفته رفته تکیه به محلی برای عزاداری تبدیل شد و از زمان ناصر الدین شاه به بعد، تکیه ها به طور رسمی محل اجرای برنامه های عزاداری و نمایش های مذهبی شد.

نقش تکیه در عزاداری محرم

تکیه ها در نهادینه کردن عزاداری در دوره قاجاریه نقش مهمی داشتند، به گونه ای که از فقیرترین مردم تا شخص شاه و صدر اعظم، در آن مشارکت می کردند. به طور کلی، عزاداری برای امام حسین علیه السلام، جلوه برجسته همکاری نزدیک دربار قاجار با مردم عادی بود. در دوره فتح علی شاه و محمد شاه نیز ساخت تکایا گسترش یافت. این تکیه ها را جماعتی از افراد نیکوکار می ساختند و معمولاً چندین دکان را برای نگه داری و مرمت تکیه ها و برقراری تعزیه وقف می کردند، ولی بیشتر تکیه ها به همت اهل هر محل به راه می افتاد. اوج گسترش تکیه ها را در دوره ناصر الدین شاه می توان دانست. از این زمان به بعد، رفته رفته، تکیه به طور رسمی، محلی برای عزاداری و اجرای نمایش های مذهبی شد.

2. تعزیه

در دوره قاجاریه، از بعضی رویدادهای تاریخی و مذهبی، از جمله واقعه کربلا، نمایش می ساختند و در گذر یا میدان ها، به تماشا می گذاشتند. به عبارت دیگر، از دوره قاجاریه، نمایش به عنوان یکی از اقسام عزاداری بر دیگر عزاداری ها افزوده شد. معمولاً یک روضه خوان پیش از آغاز تعزیه، از روی کتاب روضه الشهداء روضه می خواند و پس از آن، تعزیه و شبیه به نمایش در می آمد. به تدریج که تعزیه به صورت یک نمایش مذهبی مشخص و مستقل و جا افتاده در آمد، روضه خوانی های مقدماتی نیز از آن حذف شد. پژوهشگران، تاریخچه تعزیه خوانی را مربوط به ابتدای دوره صفویه می دانند. تعزیه خوانی در دوران حکومت صفویه، مسیر تکاملی خود را پیمود، در دوره زندیه تکامل شد و در دوره قاجاریه به اوج شکوفایی و بلوغ خود رسید. تعزیه در دوره قاجاریه از نظر هنری در سه زمینه ادبی موسیقایی و نمایش، شکوفایی خاصی یافت؛ به این معنا که در تعزیه های قدیم، اشقیا و مخالف خوانان نقش تأثیر زیادی در تعزیه داشتند، ولی از دوره ناصری به بعد، مکالمه ها در تعزیه ها کوتاه تر و حرکت و عمل بیشتر شد. اشقیا و مخالف خوان ها، مقام و موقعیت نمایشی بیشتر و بهتری یافتند. این امر؛ یعنی تقابل و توازی نسبی نقش متضاد یا خوب و بد در تعزیه، سبب شد که جنبه های درامی و نمایشی تعزیه افزوده شود و تعزیه تا اندازه ای از حالت ساده و تراژدیک محض بیرون آید.

3. اربعین

در قرآن کریم، کلمه اربعین در چهار جا به کار رفته است: آیه 51 سوره بقره؛ آیه 142 سوره اعراف؛ آیه 29 سوره مائده و آیه 15 سوره احقاف.

در سوره بقره و سوره اعراف، مدت میقات حضرت موسی با خداوند و گرفتن الواح مقدس، چهل روز معرفی شده است. در سوره مائده نیز آمده است که بنی اسرائیل پس از نافرمانی از حضرت موسی، چهل سال در بیابان سرگردان شدند. همچنین خداوند، در سوره احقاف چهل سالگی را دوران کمال عقل می داند. شاید سرّ این مطلب که باعث بسیاری از پیامبران در چهل سالگی بوده است، همین باشد.

در روایات معصومین علیهم السلام نیز عدد چهل بسیار مورد توجه بوده است. برای مثال، امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی که از چهل سالگی بگذرد و توبه نکند، شیطان به صورت او دست می کشد و می گوید: پدر و

مادرم فدای صورتی که رستگار نمی شود». نیز فرمود: «چون مؤمن بمیرد و چهل تن از مؤمنان بر جنازه او حاضر شوند و بگویند بار اله! ما از او جز نیکی نمی دانیم و تو به او از ما داناتری، خدای تبارک و تعالی می فرماید: من گواهی شما را پذیرفتم و از آنچه من از او می دانم و شما نمی دانید، گذشتم». همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «هر کس از امت من، چهل حدیث از سنت نگه داری کند، روز قیامت من از او شفاعت خواهم کرد».

در اعتقاد مسلمانان نیز اربعین به صورت سنت در آمده است. تشکیل مجلس یادبود برای گذشتگان در ایام خاصی پس از درگذشت آنها، یکی از آداب مسلمانان است. البته این سنت نیکو، اختصاص به مسلمانان ندارد، بلکه در میان دیگر ادیان از جمله مسیحیت هم از اهمیت خاصی برخوردار است. مسیحیان در روز چهارم درگذشت متوفی، در کلیسا جمع می شوند و نماز مخصوصی برای او می خوانند که به «نماز میت» معروف است».

اربعین در سیره بزرگان نیز جایگاه خاصی داشته است. علما و بزرگان ما برای رسیدن به قرب الهی با تحمل ریاضت های شرعی، روح و جان خود را تزکیه می کنند و به این وسیله ملکات پسندیده را در روح خود پرورش می دهند که به این روش، چله نشینی گفته می شود.

در تاریخ انقلاب اسلامی نیز سنت احیای اربعین، تأثیر مهمی در گسترش شور انقلابی در شهرها داشت. در چهارم شهدای حادثه قم (19/10/1356)، مردم مسلمان تبریز قیام کردند و شهید دادند. در چهارم شهدای تبریز، شهرهای دیگر، مجلس یادبود گرفتند و تظاهرات کردند و همین گونه اربعین ها به هم وصل شد و سراسر ایران به نهضت پیوست تا آنکه انقلاب اسلامی در 22 بهمن سال 1357 به پیروزی رسید. اربعین، تداوم عاشورا بود و ذکر رسالت بازماندگان پس از خون و شهادت.

فلسفه عزاداری

- احیا و زنده داشتن نهضت عاشورا
- ایجاد پیوند محکم عاطفی با مظلوم انقلاب گر و اعتراض به ستمگر
- حفظ نهضت اسلام از اثرگذاری انحرافی دشمنان

اثرات عزاداری

- الهام روح انقلابی، آزادی، شهادت طلبی، ایثار و حقیقت جویی
- آشنایی توده های مردم با معارف دینی
- پالایش روح و تزکیه نفس
- الگودهی
- اعلام بی زاری از ستمگر

ضرورت برگزاری عزاداری

- هدایت مردم
- شناساندن انسان کامل

- ایجاد معنویت در جامعه

- ایجاد وحدت

- عبرت گیری

محورهای مهم درباره فلسفه عزاداری

فلسفه سیاه پوشی

- بررسی خواص و آثار رنگ سیاه از نظر روان شناسی

- اهمیت و ضرورت سیاه پوشی در سیره اهل بیت و ائمه علیهم السلام

- سابقه سیاه پوشی در فرهنگ ها و ملل

آسیب های عزاداری

- موضوعیت یافتن آن و خالی شدن از محتوا

- برداشت های منفی از عزاداری

- افراط و تفریط در جنبه های گوناگون

- ورود خرافات و رویدادهای دروغین

- ورود سبک های مبتذل در خواندن اشعار

بایسته های پخش عزاداری ها از رسانه

- بیان اهداف ائمه علیهم السلام در لایه های مداحی

- معرفی الگوهای عملی مانند معرفی یاران امام حسین علیه السلام

- بیان فلسفه قیام عاشورا و فلسفه عزاداری ها

- وارد کردن شعارهای نظام در نوحه خوانی و سینه زنی ها

- استفاده از اشعار عالی، محکم و گویا با محتوای مناسب

- انتخاب اشعار آموزنده با توجه به نیاز جامعه

- انتخاب و استفاده از شعر و شعارهای حسینی

- مستند بودن و مطابقت سخن با شأن ائمه علیهم السلام

- با تجربه بودن مداحان

- برانگیختن احساسات حق طلبی مردم و انزجار از باطل

- زنده نگه داشتن عشق به امام زمان(عج)

- تقویت نظام، رهبری و مرجعیت

- خالی نبودن مداحی از معارف، نصایح اخلاقی و دستورهای عملی ائمه علیهم السلام

- استفاده نکردن از شعرهای کم مایه، زشت و دور از شأن ائمه علیهم السلام

- اجتناب از مطالب دروغ، خلاف و موهن مذهب

- مداحی نکردن به سبک آهنگ های لاهو و لعب

- غلو نکردن
- فدا نکردن استواری محتوا برای زیبایی بیان
- روخوانی از مقاتل معتبر
- روضه خوانی به شکل سنتی
- افزایش ایمان و معرفت دینی مردم

منابع پیشنهادی در زمینه عزاداری

1. فلسفه عزاداری
محدثی، جواد، قم، وثوق، چاپ اول، 1378، 40 صفحه.
2. کلمه طیبه
نجابت شیرازی، حسین علی، به کوشش حسین قمطیری، شیراز، حوزه علمیه، شهید محمد حسین نجابت، چاپ دوم، 1378، 64 صفحه.
3. احکام عزاداری (احکام مبتلابه بخش اول)
دلیر، محسن، تهران، پیام معلم، چاپ اول، 1379، 14 صفحه.
4. احیای خاطره عاشورا
استاد ولی، حسین، تهران، شبر، چاپ اول، 1380، 96 صفحه.
5. مردم نگاری مراسم عزاداری ماه محرم در شهرستان بیرجند
بردآبادی، احمد، شعبی، غلام حسین، تهران، قلم آشنا، چاپ اول، 1381، 192 صفحه.
6. هودج خون (گذری بر عزاداری و نام گذاری شب های محرم)
هادی منش، ابوالفضل، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، 1380، 246 صفحه.